Journal of Studies in

Management, Psychology & Educational sciences Online ISSN: 3115-7300

Home Page: https://jsm.kavian.ac.ir

Investigating the Mediating Role of Self-Esteem in the Relationship Between Spiritual Intelligence and Marital Adjustment Among Married Individuals Visiting Psychology Clinics

Nazanin Ghorbanpour Dehsorkh[1] **Fatemeh Hajiarbabi**[*1] **Nooshin Sabour Esmaeili**[1]

1-Department of Psychology, Kavian Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

ARTICLE INFO

Keywords:
Spiritual Intelligence
Self-Esteem
Marital Adjustment
Structural Equation Modeling

ABSTRACT

This study aimed to investigate the mediating role of self-esteem in the relationship between spiritual intelligence and marital adjustment. The research employed a descriptive correlational design. The statistical population consisted of married individuals attending psychology counseling centers located in Districts 1, 9, 10, 11, 14, and 17 of Mashhad during September and October 2024. The estimated number of individuals in the statistical population was 300. Initially, 300 married individuals were selected through proportional stratified random sampling. Based on the Krejcie and Morgan table (1970), the sample size was determined to be 169 participants, including 100 women and 69 men. After screening the questionnaires and excluding incomplete and invalid responses, the final sample consisted of 169 participants, including 100 women and 69 men. Proportional stratified sampling was used, and after determining the proportion of each stratum, eligible individuals were randomly selected. The questionnaires were provided to the selected individuals online through a web-based platform, and after reviewing the responses, incomplete and invalid questionnaires were excluded. Data were collected using the Spanier Dyadic Adjustment Scale (1976), the King Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI-24; 2008), and the Coopersmith Self-Esteem Inventory (1965). Data were analyzed using SPSS and SmartPLS software. The findings indicated that spiritual intelligence had both a direct ($\beta=0.42$, $p<0.01$) and an indirect positive and significant effect on marital adjustment through self-esteem ($\beta=0.35$, $p<0.01$). In addition, significant positive relationships were found between spiritual intelligence and self-esteem, as well as between self-esteem and marital adjustment. Structural equation modeling further demonstrated that self-esteem significantly mediated the relationship between spiritual intelligence and marital adjustment. These findings suggest that spiritual intelligence enhances marital adjustment by increasing self-esteem and emphasize the importance of considering psychological and spiritual variables in marital counseling and couple therapy interventions.

* Corresponding Author: Fatemeh Hajiarbabi
*E-mail:*hajiarbabi@kavian.ac.ir

https://doi.org/10.22034/jsm.2026.593869.1059
Received: 26 July 2026; Revised: 1September 2026; Accepted: 2 September 2026
Available online: 27 September 2026
How to Cite: Ghorbanpour Dehsorkh, N., Hajiarbabi, F. & Sabour Esmaeili, N. (2026). Investigating the Mediating Role of Self-Esteem in the Relationship between Spiritual Intelligence and Marital Adjustment among Married Individuals Visiting Psychology Clinics. *Journal of Studies in Management, Psychology & Educational Sciences*, *4*(4), 1-12.

جستارهایی در مدیریت، روان‌شناسی و علوم تربیتی
شاپا الکترونیکی: ۷۳۰۰-۳۱۱۵
سایت نشریه: https://jsm.kavian.ac.ir

نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی در متاهلین مراجعه کننده به مراکز مشاوره

نازنین قربان‌پور ده‌سرخ[۱] فاطمه حاجی‌اربابی*[۱] نوشین صبور اسماعیلی[۱]

۱-گروه روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی کاویان، مشهد، ایران

اطلاعات مقاله

واژه‌های کلیدی:
هوش معنوی
عزت نفس
سازگاری زناشویی
مدل‌سازی معادلات ساختاری

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل متاهلین مراجعه کننده به مراکز مشاوره واقع در مناطق ۱، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴ و ۱۷ شهر مشهد در بازه زمانی شهریور تا مهر ۱۴۰۳ بوده است. که تعداد آنها ۳۰۰ نفر برآورد شد. بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، حجم نمونه ۱۶۹ نفر تعیین شد که شامل ۱۰۰ زن و ۶۹ مرد بود. نمونه‌گیری با روش طبقه‌ای نسبی انجام شد و پس از تعیین سهم هر طبقه، افراد واجد شرایط به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌ها به‌صورت آنلاین و از طریق بستر وب در اختیار افراد منتخب قرار گرفت و پس از بررسی پاسخ‌ها، پرسش‌نامه‌های ناقص و نامعتبر حذف شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۶)، هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) و عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۵) بود. برای تحلیل داده‌ها از از نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS، استفاده شد. نتایج نشان داد که هوش معنوی هم به‌صورت مستقیم (β=۰/۴۲، p<۰/۰۱) و هم به‌صورت غیرمستقیم از طریق عزت نفس (β=۰/۳۵، p <۰/۰۱) بر سازگاری زناشویی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، بین هوش معنوی و عزت نفس و بین عزت نفس و سازگاری زناشویی نیز رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که عزت نفس به‌عنوان یک متغیر میانجی، نقش معناداری در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی ایفا می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که هوش معنوی از طریق افزایش عزت نفس، تأثیر مثبت و معناداری بر سازگاری زناشویی دارد. با توجه به ماهیت همبستگی پژوهش، یافته‌ها بیانگر رابطه و نقش میانجی هستند و نباید به‌عنوان شواهد قطعی رابطه علّی تفسیر شوند.این یافته‌ها بر اهمیت توجه به متغیرهای روان‌شناختی-معنوی در مداخلات زوج‌درمانی تأکید دارد.

*نویسنده مسئول: فاطمه حاجی‌اربابی
ایمیل: hajiarbabi@kavian.ac.ir
تاریخ دریافت: ۴ مرداد ۱۴۰۵؛ تاریخ بازنگری: ۱۰ شهریور ۱۴۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۱ شهریور ۱۴۰۵ تاریخ انتشار: ۵ مهر ۱۴۰۵
استناد: قربان‌پور ده‌سرخ، نازنین، حاجی اربابی، فاطمه و صبور اسماعیلی، نوشین. (۱۴۰۵). نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی در متاهلین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. جستارهایی در مدیریت، روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۴(۴)،۱-۱۲.

مقدمه

از موضوعات مهم در حوزه روان‌شناسی خانواده، سازگاری زناشویی است؛ زیرا کیفیت رابطه زوجین نه‌تنها بر سلامت روانی و رضایت فردی آنان، بلکه بر کارکرد کلی خانواده نیز تأثیر می‌گذارد و اگر یک زوج در روابطشان با یکدیگر نتوانند به یک توافق نسبی و سازگاری برسند، کارکردهای خانواده مختل می‌شود (معین، غیاثی و مسموعی،۱۳۹۰). سازگاری زناشویی مفهومی چند بعدی است که به چگونگی انطباق زوجین با نیازها، انتظارات، تفاوت‌ها و چالش‌های زندگی مشترک اشاره دارد و ابعادی مانند توافق، رضایت، مشارکت و ابراز عواطف را در برمی‌گیرد (اسپانیر[1]، ۱۹۷۶). از این منظر، سازگاری زناشویی صرفاً به معنای نبود تعارض نیست، بلکه بیانگر توانایی زوجین برای ایجاد تعادل، تفاهم و همکاری در ابعاد مختلف زندگی مشترک است. در میان عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی، ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی زوجین اهمیت ویژه‌ای دارند. یکی از این عوامل، هوش معنوی است. هوش معنوی به مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ذهنی اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد ابعاد غیرمادی و متعالی وجود خود را درک، یکپارچه و به شیوه‌ای سازگارانه در زندگی به کار گیرد. در الگوی کینگ، هوش معنوی شامل چهار مؤلفه تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری است (کینگ[2]، ۲۰۰۹). این ظرفیت‌ها می‌توانند به فرد کمک کنند تا رویدادهای دشوار زندگی، از جمله تعارضات و فشارهای موجود در زندگی زناشویی، را در چارچوبی معنادارتر تفسیر کرده و با انعطاف‌پذیری بیشتری با آنها مواجه شود. پژوهش‌های انجام‌شده نیز از ارتباط هوش معنوی با سازگاری زناشویی حمایت کرده‌اند. برای نمونه، احمدی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای بر روی ۳۱۲ دانشجوی متأهل ایرانی نشان دادند که هوش معنوی می‌تواند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. این یافته نشان می‌دهد که منابع معنوی و ظرفیت فرد برای یافتن معنا می‌توانند در کیفیت رابطه زناشویی نقش داشته باشند.

از سوی دیگر، عزت نفس یکی از متغیرهای مهم فردی در کیفیت روابط بین‌فردی است. عزت نفس به ارزیابی کلی فرد از ارزشمندی خود اشاره دارد و می‌تواند بر نحوه ادراک فرد از توانایی‌های خود، نحوه مواجهه با مشکلات و چگونگی برقراری روابط با دیگران اثرگذار باشد (کوپر اِسمیت[3]، ۱۹۶۷). فردی که ارزیابی مثبت‌تری از خود دارد، معمولاً در موقعیت‌های بین‌فردی از احساس کفایت و امنیت بیشتری برخوردار است و این ویژگی می‌تواند به برقراری تعاملات سازنده‌تر با همسر کمک کند. شواهد پژوهشی نیز رابطه عزت نفس و سازگاری زناشویی را تأیید کرده‌اند. برای مثال، گویال و ناکرا[4] (۲۰۲۳) در یک مطالعه همبستگی، رابطه میان عزت نفس و سازگاری زناشویی را بررسی کردند و بر اهمیت احساس ارزشمندی فرد در کیفیت سازگاری با زندگی مشترک تأکید نمودند.

باوجود شواهد موجود درباره رابطه هوش معنوی با سازگاری زناشویی و همچنین رابطه عزت نفس با سازگاری زناشویی، پرسش مهم‌تری همچنان مطرح است: آیا هوش معنوی می‌تواند از طریق تقویت عزت نفس، سازگاری زناشویی را افزایش دهد؟ به عبارت دیگر، آیا عزت نفس سازوکاری روان‌شناختی است که از طریق آن ظرفیت‌های معنوی فرد به کیفیت بهتر رابطه زناشویی تبدیل می‌شود؟ از نظر نظری می‌توان انتظار داشت که چنین رابطه‌ای وجود داشته باشد. فردی که از ظرفیت بیشتری برای تفکر وجودی، یافتن معنای شخصی و آگاهی متعالی برخوردار است، ممکن است رویدادهای زندگی را منسجم‌تر و معنادارتر ارزیابی کند. این فرایند می‌تواند احساس کفایت، ارزشمندی و انسجام درونی فرد را تقویت کند و در نتیجه به عزت نفس بالاتر منجر شود. از سوی دیگر، عزت نفس بالاتر می‌تواند فرد را در مواجهه با تعارضات، فشارهای ارتباطی و تفاوت‌های موجود در زندگی مشترک توانمندتر سازد و زمینه تعامل سازنده‌تر با همسر را فراهم کند. بنابراین، می‌توان یک مسیر نظری از هوش معنوی به عزت نفس و از عزت نفس به سازگاری زناشویی در نظر گرفت. شواهد تجربی نیز بخشی از این زنجیره را تأیید می‌کنند. بودلایی و همکاران[5] (۲۰۲۲) نشان دادند که بین هوش معنوی و عزت نفس رابطه مثبت وجود دارد و هویت اخلاقی می‌تواند در این رابطه نقش میانجی داشته باشد. این یافته، از این دیدگاه حمایت می‌کند که هوش معنوی می‌تواند از طریق سازوکارهای روان‌شناختی بر ارزیابی فرد از خود اثر بگذارد. از سوی دیگر، مطالعات انجام‌شده درباره عزت نفس و سازگاری زناشویی نیز وجود ارتباط میان این دو متغیر را نشان داده‌اند. بااین‌حال، در مطالعات پیشین، بیشتر بر رابطه مستقیم هوش معنوی با سازگاری زناشویی یا رابطه مستقیم عزت نفس با سازگاری زناشویی تمرکز شده است و بررسی همزمان این سه متغیر در قالب یک مدل میانجی، به‌ویژه در میان متأهلین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر مشهد، کمتر موردِ توجه قرار گرفته است. بنابراین، شکاف پژوهشی حاضر نه صرفاً در بررسی رابطه میان این متغیرها، بلکه در بررسی ساز وکار احتمالی این رابطه و آزمون نقش میانجی عزت نفس قرار دارد.

براین‌اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی انجام شد و سؤال اصلی پژوهش این است که آیا عزت نفس در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی نقش میانجی دارد؟

مبانی نظری

سازگاری زناشویی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت رابطه زوجین و سلامت خانواده شناخته می‌شود. اسپانیر (۱۹۷۶) سازگاری دو نفره را فرایندی پویا می‌داند که در یک زوج، از طریق میزان توافق، رضایت، انسجام و ابراز عواطف مشخص می‌شود. مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر نیز بر همین اساس چهار مؤلفه اصلی شامل توافق دو نفره، رضایت دو نفره، انسجام دو نفره و ابراز محبت را مورد سنجش قرار می‌دهد. امروزه سازگاری زناشویی یکی از اصطلاحاتی است که به‌طور گسترده در مطالعات خانواده و زناشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اصطلاح با مفاهیمی همچون رضایت زناشویی، شادکامی زناشویی، موفقیت زناشویی و ثبات زناشویی مرتبط است؛ بااین‌حال، سازگاری زناشویی مفهومی چندبعدی است که ابعاد مختلف رابطه زوجین را دربرمی‌گیرد. بر اساس گزارش سازمان نظام روان‌شناسی ایران (۱۴۰۱)، حدود ۴۰ درصد از مراجعات به مراکز مشاوره مربوط به مشکلات زناشویی است. سازگاری زناشویی به‌عنوان یک مفهوم پویا و چندبعدی، متأثر از عوامل فردی و بین فردی است که هوش معنوی و عزت نفس از جمله آنها محسوب می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهند ناسازگاری زناشویی نه تنها منجر به کاهش صمیمیت و افزایش تنش در روابط می‌شود (فتوحی و همکاران، ۱۳۹۷)، بلکه کارکردهای اساسی

1 Spanier
2 king
3 Cooper Smith
4 Goyal & Nakra
5 Boudlaie et al

خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (معین و همکاران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، رضایت زناشویی با احساس شادمانی، تداوم رابطه و رشد شخصیتی همسران همراه است (کورپورال و همکاران[1]، ۲۰۱۳؛ بالی و همکاران[2]، ۲۰۱۰). سازگاری زناشویی را می‌توان فرایندی پویا دانست که طی آن زوجین تلاش می‌کنند تفاوت‌های فردی، انتظارات، نیازها و شیوه‌های زندگی خود را با یکدیگر هماهنگ کنند. از این‌رو، سازگاری زناشویی تنها به احساس رضایت از ازدواج محدود نمی‌شود، بلکه توانایی زوجین برای توافق، مشارکت، حل تعارض و حفظ تعامل عاطفی مثبت را نیز شامل می‌شود. بر اساس مدل اسپانیر، مقیاس سازگاری زناشویی دارای چهار بعد توافق دو نفره، رضایت دو نفره، انسجام دو نفره و ابراز محبت است. بنابراین، استفاده از این سازه امکان ارزیابی چندبعدی کیفیت سازگاری فرد در رابطه زناشویی را فراهم می‌کند.

عزت نفس به ارزیابی کلی فرد از ارزشمندی خویش اشاره دارد و یکی از مؤلفه‌های مهم ساختار شخصیت محسوب می‌شود. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) عزت نفس را نوعی ارزیابی فرد از خود می‌داند که در نگرش‌های فرد نسبت به ارزشمندی، توانمندی، اهمیت و موفقیت خویش منعکس می‌شود. از دیدگاه نظری، عزت نفس می‌تواند در نحوه مواجهه فرد با موقعیت‌های چالش‌برانگیز و روابط بین‌فردی نقش داشته باشد. فردی که خود را ارزشمند و شایسته می‌داند، احتمالاً در تعامل با دیگران از احساس امنیت و کفایت بیشتری برخوردار است و می‌تواند در شرایط تعارض، واکنش‌های سازنده‌تری نشان دهد. این موضوع در روابط زناشویی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا زندگی مشترک مستلزم تعامل مستمر، پذیرش تفاوت‌ها، مذاکره درباره نیازها و مدیریت تعارض است. بر اساس نظریه آدلر (۱۹۲۷)[3]، افراد با عزت نفس بالا بهتر می‌توانند با چالش‌های زندگی مشترک کنار بیایند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند عزت نفس به‌عنوان ارزیابی پایدار فرد از ارزشمندی خویش (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷)، بر عملکرد زناشویی تأثیر مستقیم دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند افراد با عزت نفس بالا نه تنها روابط عاطفی پایدارتری دارند (بیابانگرد، ۱۳۹۰)، بلکه بهتر می‌توانند با استرس‌های زندگی مشترک کنار بیایند (مزلو، ۱۹۸۷). در نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو نیز نیاز به احترام و احساس ارزشمندی از نیازهای مهم انسان محسوب می‌شود. بااین‌حال، در پژوهش حاضر، تعریف عملیاتی عزت نفس بر اساس چارچوب و ابزار کوپر اسمیت انجام شده است و نه بر اساس نظریه مازلو. پرسش‌نامه عزت نفس کوپر اسمیت یکی از ابزارهای شناخته‌شده برای سنجش این سازه است. نسخه اصلی این مقیاس شامل ۵۸ گویه است و حوزه‌هایی مانند خود عمومی، اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی را در کنار مقیاس دروغ‌سنج پوشش می‌دهد. همچنین نسخه‌های بزرگسالان این ابزار نیز توسعه یافته‌اند و در پژوهش‌های روان‌شناختی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. شواهد تجربی اخیر نیز اهمیت عزت نفس در روابط زناشویی را نشان داده‌اند. برای نمونه، گویال و ناکرا (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان «عزت نفس و سازگاری زناشویی» رابطه میان این دو متغیر را بررسی کردند و بر نقش احساس ارزشمندی فرد در سازگاری با زندگی مشترک تأکید داشتند.

هوش معنوی مفهومی است که به ظرفیت فرد برای درک، یکپارچه‌سازی و به‌کارگیری جنبه‌های معنوی و متعالی وجود در مواجهه با مسائل زندگی اشاره دارد. کینگ (۲۰۰۸) هوش معنوی را مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ذهنی می‌داند که به آگاهی از جنبه‌های غیرمادی و متعالی وجود، یکپارچه‌سازی آنها و استفاده سازگارانه از این ظرفیت‌ها منجر می‌شود. در مدل کینگ، هوش معنوی شامل چهار مؤلفه اصلی است: تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری. این چهار مؤلفه بیانگر آن هستند که فرد تا چه اندازه می‌تواند درباره مسائل بنیادی و وجودی زندگی تأمل کند، برای تجربیات خود معنا ایجاد کند، ابعاد متعالی وجود را درک کند و حالت‌های مختلف آگاهی را تجربه یا گسترش دهد. هوش معنوی با هوش شناختی یا هوش هیجانی یکسان نیست، بلکه بر نحوه استفاده فرد از ظرفیت‌های ذهنی برای معنا دادن به تجربه‌های زندگی و مواجهه با مسائل وجودی و چالش‌های مختلف تأکید دارد. از منظر روابط زناشویی، برخورداری از هوش معنوی می‌تواند به فرد کمک کند تا تعارض‌ها و مشکلات زندگی مشترک را صرفاً به‌عنوان تهدید تلقی نکند، بلکه آنها را در چارچوبی گسترده‌تر و معنادارتر تفسیر کند. چنین نگرشی ممکن است به افزایش انعطاف‌پذیری، تحمل تفاوت‌ها، بازنگری در نگرش‌ها و مدیریت بهتر تعارضات کمک کند. هوش معنوی که توسط زوهر و مارشال[4] (۲۰۰۰) مطرح شد، به توانایی استفاده از منابع معنوی برای حل مسائل زندگی روزمره اشاره دارد. این سازه شامل مؤلفه‌هایی مانند تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالت‌های هوشیاری است (کینگ، ۲۰۰۸). مطالعات نشان داده‌اند که افراد با هوش معنوی بالاتر، توانایی بیشتری در مدیریت تعارضات زناشویی دارند (شارما[5] و همکاران، ۲۰۱۵). پژوهش احمدی و همکاران (۲۰۲۲) نیز نشان داد که هوش معنوی می‌تواند سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل ایرانی را پیش‌بینی کند. این یافته از ارتباط بین منابع معنوی فرد و کیفیت رابطه زناشویی حمایت می‌کند. این سازه از یک سو با ایجاد یکپارچگی در شخصیت و کاهش تعارضات درونی (باقرپور و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱) و از سوی دیگر با ارائه چارچوبی معنادار برای تفسیر تجارب زندگی (غباری و همکاران، ۱۳۸۶)، به فرد کمک می‌کند تا با چالش‌های زندگی زناشویی سازگار شود. از سوی دیگر، عزت نفس به‌عنوان ارزیابی کلی فرد از ارزشمندی خود (روزنبرگ[6] ، ۱۹۶۵)، یکی از عوامل تعیین‌کننده در کیفیت روابط بین‌فردی محسوب می‌شود.

بر اساس مبانی نظری و شواهد تجربی موجود، می‌توان برای رابطه میان سه متغیر پژوهش یک زنجیره نظری پیشنهاد کرد. در مرحله نخست، هوش معنوی می‌تواند با فراهم کردن چارچوبی برای معنا دادن به تجربیات زندگی، افزایش آگاهی از خود و ایجاد انسجام درونی، بر ارزیابی فرد از خویشتن تأثیر بگذارد. فردی که قادر است تجربه‌های دشوار زندگی را معنادار تفسیر کند و خود را در ارتباط با اهداف و ارزش‌های گسترده‌تر زندگی ببیند، ممکن است احساس ارزشمندی و کفایت بیشتری تجربه کند. در نتیجه، هوش معنوی می‌تواند با عزت نفس بالاتر همراه شود. در مرحله دوم، عزت نفس می‌تواند بر کیفیت روابط زناشویی اثر بگذارد. عزت نفس بالاتر با احساس ارزشمندی و کفایت بیشتر همراه است و می‌تواند به فرد کمک کند تا در تعامل با همسر، با امنیت روانی بیشتری ارتباط برقرار کند، نیازهای خود را به شیوه مناسب‌تری بیان کند و در مواجهه با تعارض‌ها کمتر به واکنش‌های تدافعی یا مخرب متوسل شود. بنابراین، عزت نفس می‌تواند یکی از سازوکارهای

1 Korporaal et al
2 Bali et al
3 Adler
4 Zohar & Marshal
5 Sharma et al
6 Rosenberg

روان‌شناختی مؤثر در تبدیل ظرفیت‌های فردی به رفتار و تعامل سازگارانه در زندگی مشترک باشد. در نتیجه، می‌توان فرض کرد که هوش معنوی نه‌تنها به‌طور مستقیم با سازگاری زناشویی ارتباط دارد، بلکه بخشی از این رابطه از طریق افزایش عزت نفس تبیین می‌شود. این منطق نظری، مبنای اصلی بررسی نقش میانجی عزت نفس در پژوهش حاضر است.

این مدل میانجی از نظر تجربی نیز قابل دفاع است؛ زیرا پژوهش بودلایی و همکاران[1] (۲۰۲۲) رابطه مثبت هوش معنوی و عزت نفس را نشان داده است، در حالی که مطالعات مربوط به روابط زناشویی نیز ارتباط عزت نفس با سازگاری زناشویی را گزارش کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

مقنی‌زاده طوس و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی و هوش معنوی با سازگاری زناشویی» به بررسی رابطه میان مهارت‌های ارتباطی، هوش معنوی و سازگاری زناشویی پرداختند. روش پژوهش توصیفی ـ همبستگی بود و ۹۷ نفر از زوجین ساکن مشهد به روش نمونه‌گیری در دسترس داوطلبانه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه مهارت‌های ارتباطی کوئین‌دام، پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ و مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر استفاده شد. نتایج نشان داد که مهارت‌های ارتباطی و هوش معنوی با سازگاری زناشویی رابطه معنادار دارند.

میرتاج‌الدینی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس هوش معنوی و حرمت خود» به بررسی نقش هوش معنوی و حرمت خود در سازگاری زناشویی پرداختند. جامعه پژوهش را زوجین شهر کرمان تشکیل دادند و ۳۰۰ نفر زن و مرد متأهل به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ، سازگاری زناشویی لاک ـ والاس و حرمت خود روزنبرگ بود. نتایج نشان داد که هوش معنوی و حرمت خود با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارند و حرمت خود نسبت به هوش معنوی قدرت بیشتری در پیش‌بینی سازگاری زناشویی داشت.

میرگل و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود درباره نقش هوش معنوی و عزت نفس در پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی نشان دادند که بین هوش معنوی و عزت نفس رابطه معنادار وجود دارد. این یافته، هرچند در جامعه دانش‌آموزی به دست آمده است، از ارتباط میان ظرفیت‌های معنوی و ارزیابی فرد از خود حمایت می‌کند.

ابوالحسنی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی درباره رابطه عزت نفس و استرس شغلی با سازگاری زناشویی زنان کارمند شهر بابل نشان دادند که بین عزت نفس و سازگاری زناشویی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین عزت نفس نسبت به استرس شغلی قدرت بیشتری برای پیش‌بینی سازگاری زناشویی داشت.

الهبخشی و قمری (۱۳۹۶) در پژوهشی درباره رابطه هوش معنوی و امید به زندگی با سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل نشان دادند که هوش معنوی و امید به زندگی رابطه مثبت و معناداری با سازگاری زناشویی دارند.

رابوری و همکاران[2] (۲۰۲۲) در بررسی رابطه هوش معنوی با عزت نفس و امید به زندگی در بیماران مبتلا به سرطان نیز نشان دادند که بین هوش معنوی و عزت نفس رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

بودلایی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش میانجی هویت اخلاقی بر رابطه هوش معنوی و عزت نفس مسلمانان» دریافتند که بین هوش معنوی و عزت نفس رابطه مثبت وجود دارد و هویت اخلاقی در این رابطه نقش میانجی ایفا می‌کند.

احمدی و همکاران (۲۰۲۲) در نمونه‌ای از دانشجویان متأهل ایرانی نشان دادند که هوش معنوی می‌تواند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. همچنین گویال و ناکرا (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای درباره عزت نفس و سازگاری زناشویی بر ارتباط میان احساس ارزشمندی فرد و کیفیت سازگاری در زندگی مشترک تأکید کردند.

مرور این مطالعات نشان می‌دهد که هر یک از روابط دو متغیره هوش معنوی ـ سازگاری زناشویی، هوش معنوی ـ عزت نفس و عزت نفس ـ سازگاری زناشویی تا حدودی مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما بررسی همزمان این سه متغیر در قالب یک مدل میانجی و در جامعه متأهلین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر مشهد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر نقش میانجی عزت نفس تلاش می‌کند شکاف موجود را پوشش دهد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری، پیشینه پژوهش و مدل مفهومی مطالعه، فرضیه اصلی پژوهش به شرح زیر تدوین شد:

عزت نفس در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی نقش میانجی معناداری دارد.

و فرضیه‌های فرعی به شرح زیر می‌باشد:

بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

بین هوش معنوی و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد.

بین عزت نفس و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۰۰ نفر از متأهلین مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روان‌شناسی واقع در مناطق ۱، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴ و ۱۷ شهر مشهد در بازه زمانی شهریور تا مهر ۱۴۰۳ بود. با توجه به حجم جامعه و بر اساس جدول کرجسی و مورگان، حجم نمونه ۱۶۹ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای نسبی انجام گرفت. در این روش، جامعه آماری بر اساس مناطق مورد مطالعه به طبقات مربوط تقسیم و سهم هر طبقه متناسب با تعداد مراجعه‌کنندگان آن طبقه تعیین شد. سپس افراد واجد شرایط از هر طبقه به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در نمونه نهایی، ۱۰۰ نفر زن (۵۹/۱۷ درصد) و ۶۹ نفر مرد (۴۰/۸۳ درصد) بودند. پرسش‌نامه‌ها پس از انتخاب افراد واجد شرایط، به‌صورت آنلاین و از طریق بستر وب در اختیار آنان قرار گرفت. بدین منظور، لینک پرسش‌نامه برای افراد منتخب ارسال شد و از آنان خواسته شد پرسش‌نامه‌ها را به‌صورت مستقل تکمیل کنند.

ابزارهای گردآوری اطلاعات

1 Boudlaie et al
2 Rabori

پرسش‌نامه سازگاری زناشویی اسپانیر

برای گردآوری داده‌ها، از سه پرسش‌نامه استاندارد استفاده شد که هر یک یکی از متغیرهای اصلی پژوهش را اندازه‌گیری می‌کنند. یکی از این ابزارها، مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر (Dyadic Adjustment Scale; DAS) است که توسط گراهام اسپانیر در سال ۱۹۷۶ تدوین شد. این مقیاس دارای ۳۲ گویه است و برای سنجش کیفیت سازگاری در روابط زناشویی و روابط دو نفره طراحی شده است. مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر چهار خرده‌مقیاس شامل توافق دو نفره، رضایت دو نفره، انسجام دو نفره و ابراز محبت دارد. گویه‌های مربوط به توافق دو نفره شامل گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۵ و ۷ تا ۱۵؛ خرده‌مقیاس رضایت دو نفره شامل گویه‌های ۱۶ تا ۲۳ و ۳۱ و ۳۲؛ خرده‌مقیاس انسجام دو نفره شامل گویه‌های ۲۴ تا ۲۸؛ و خرده‌مقیاس ابراز محبت شامل گویه‌های ۴، ۶، ۲۹ و ۳۰ است. شیوه پاسخ‌دهی در گویه‌های مختلف یکسان نیست و دامنه نمره‌گذاری گویه‌ها بسته به نوع سؤال متفاوت است. نمره کل مقیاس در شکل اصلی آن در دامنه صفر تا ۱۵۱ قرار می‌گیرد. در تفسیر سنتی این مقیاس، نمره بالاتر بیانگر سازگاری دو نفره بیشتر است.

برخی از پرسش‌های این پرسش‌نامه عبارتست از:

چقدر در مورد طلاق، جدایی یا پایان دادن رابطه‌تان با هم صحبت می‌کنید؟

چقدر به طلاق و جدایی فکر می‌کنید؟

آیا به همسرتان اعتماد و اطمینان دارید؟

پایایی پرسش‌نامه سازگاری اسپانیر: نمره‌ی کل مقیاس با آلفای کرانباخ ۹۶ درصد از همسانی درونی خوبی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است. رضایت دو نفری ۹۴ درصد، همبستگی دو نفری ۸۱ درصد، توافق دو نفری ۹۰ درصد و ابراز محبت ۷۳ درصد (ثنایی، ۱۳۷۹).

روایی پرسش‌نامه سازگاری اسپانیر: این مقیاس با روش‌های منطقی روایی محتوا چک شد. مقیاس سازگاری زن وشوهر با قدرت تمیز دادن زوج‌های متاهل و مطلقه در هر سوال، روایی خود را برای گروه‌های شناخته شده نشان داده است. این مقیاس از روایی همزمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک- والاس همبستگی دارد (ثنایی، ۱۳۷۹). درایران نیز این مقیاس درسال۱۳۷۴ توسط آموزگار و حسین‌نژاد هنجاریابی شده است. این مقیاس با روش بازآزمایی و با فاصله‌ی ۱۰ روز روی نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ نفر از زوج‌ها (۶۰ مرد و ۶۰ زن) اجرا گردید و برای میزان همبستگی از روش گشتاوری پیرسون استفاده شد. ضریب همبستگی بین نمرات زوج‌ها طی دوبار اجرا درکل نمرات ۸۶ درصد، مقیاس رضایت زناشویی ۶۸ درصد، مقیاس همبستگی دو نفری ۷۵ درصد، مقیاس توافق دو نفری ۷۱ درصد و مقیاس ابراز محبت ۶۱ درصد به دست آمده است. در پژوهش حاضر، پایایی پرسش‌نامه سازگاری زناشویی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

پرسش‌نامه عزت نفس کوپر اسمیت

یکی دیگر از ابزارهای پژوهش، پرسش‌نامه عزت نفس کوپر اسمیت (Coopersmith Self-Esteem Inventory; CSEI) است. این ابزار توسط استنلی کوپر اسمیت در سال ۱۹۶۷ تدوین شد و برای سنجش نگرش و ارزیابی فرد نسبت به ارزشمندی خویش طراحی شده است. نسخه اصلی پرسش‌نامه دارای ۵۸ گویه است و شامل حوزه‌های خود عمومی، اجتماعی/همسالان، خانوادگی/ والدین و تحصیلی/مدرسه‌ای است. علاوه‌براین، مقیاس دروغ‌سنج نیز در آن وجود دارد. پاسخ‌دهی به گویه‌ها به‌صورت دوگزینه‌ای و بر اساس انتخاب «شبیه من» یا «غیرشبیه من» انجام می‌شود. در نسخه اصلی، حداکثر نمره قابل محاسبه برای خرده‌مقیاس عمومی ۲۶ و برای سه خرده‌مقیاس دیگر ۸ است و نمره کلی عزت نفس، بدون احتساب مقیاس دروغ‌سنج، حداکثر ۵۰ خواهد بود. گویه‌های مربوط به مقیاس دروغ‌سنج در نمره کلی عزت نفس وارد نمی‌شوند.

برخی از پرسش‌های این پرسش‌نامه عبارتند از:

۱- بیشتر اوقات بیداری‌ام را در رویا و خیال‌پردازی می‌گذرانم.

موافقم مخالفم

۲- از خودم خیلی مطمئن هستم.

موافقم مخالفم

۳- اغلب آرزو می‌کنم که کاش فرد دیگری بودم.

موافقم مخالفم

۴- دوست‌داشتنی هستم و به سادگی می‌توان من را دوست داشت.

موافقم مخالفم

در مطالعات روان‌سنجی، شواهدی از پایایی و روایی این ابزار گزارش شده است. بررسی‌ها در ایران و خارج از ایران بیانگر آن است که این آزمون از اعتبار و روایی قابل‌قبولی برخوردار است. هرز و گولن[1] (۱۹۹۹) ضریب آلفای ۰/۸۸ را برای نمره کلی این آزمون گزارش کرده‌اند. و نیز ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ را برای آزمون عزت نفس کوپر اسمیت گزارش کرده‌اند. کوپر اسمیت و دیگران (۱۹۹۰) ضرایب بازآزمایی را بعد از پنج هفته ۰/۸۸ و بعد از سه سال ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. با روش بازآزمایی ضریب اعتبار این آزمون در ایران با فاصله چهار هفته و دوازده روز به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۸۰ گزارش شده است. ضریب همسانی درونی گزارش شده بین ۰/۸۹ تا ۰/۸۳. در مطالعات مختلف متغیر بوده است. پورشافعی (۱۳۷۰) با روش دو نیمه کردن ضریب ۰/۸۷ را گزارش کرده است. در بررسی روایی آزمون کوپر اسمیت ، ثابت (۱۳۷۵) و نایبی فرد (۱۳۸۲) روایی هم‌گرای مثبت بین آزمون کوپر اسمیت و آزمون عزت نفس آیسنک به دست آوردند. این میزان در پژوهش ثابت ۰/۸۰ و در پژوهش نایبی فرد ۰/۷۸ بوده است. همچنین ضرایب اعتبار این آزمون با روش بازآزمایی برای دختران و پسران به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه عزت نفس کوپر اسمیت برابر با ۰/۸۰ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی درونی قابل‌قبول ابزار در نمونه پژوهش است.

پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ

از دیگر ابزارهای این پژوهش، پرسش‌نامه هوش معنوی خودگزارشی کینگ (Spiritual Intelligence Self-Report In-ventory; SISRI-24) می‌باشد که توسط کینگ تدوین و در قالب مدل چهارعاملی هوش معنوی ارائه شد. این پرسش‌نامه دارای ۲۴ گویه و چهار مؤلفه تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری است. پاسخ‌دهی به گویه‌های پرسش‌نامه بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای از صفر تا ۴ انجام می‌شود؛ به‌گونه‌ای که صفر نشان‌دهنده «کاملاً نادرست» و ۴ نشان‌دهنده «کاملاً درست» است. نمره بالاتر بیانگر سطح بالاتر هوش معنوی است. برخی از گویه‌های پرسش‌نامه عبارتند از:

۱- اغلب درباره ماهیت هستی، سئوال و تفکر می‌کنم.

1 Herz & Gulen

۲- من جنبه‌هایی از وجود خودم را که فراتر از جسم مادی‌ام است را می‌شناسم.

مدل چهارعاملی SISRI-24 شامل تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری است و مطالعات روان‌سنجی این مقیاس، شواهدی از پایایی درونی، پایایی بازآزمایی و روایی سازه آن ارائه کرده‌اند. در پژوهش مرعشی و همکاران (۱۳۹۱)، ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ ۰/۸۵ گزارش شده است. همچنین، امیریان و فضیلت‌پور (۲۰۱۵) برای خرده مقیاس‌های آن ضرایب آلفای قابل‌قبول گزارش کردند. در پژوهش رقیب و همکاران (۱۳۸۹) پایایی این پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه گردید، غباری بناب (۱۳۹۰) روایی پرسش‌نامه را ۰/۶۶ گزارش نمود. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه هوش معنوی برابر با ۰/۸۳ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی قابل‌قبول ابزار است.

روش تجزیه و تحلیل

در این پژوهش، داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در سطح آمار توصیفی، از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی نظیر میانگین و انحراف معیار برای توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی و متغیرهای پژوهش استفاده شده است. در سطح آمار استنباطی، از روش‌های تحلیل همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته شده است. به طور مشخص، از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرها و از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) برای آزمون مدل مفهومی پژوهش و بررسی نقش میانجی عزت نفس استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS و SmartPLS مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. از دیدگاه جمعیت شناختی نمونه پژوهش براساس متغیر جنسیت طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

یافته‌ها

تعداد کل متاهلین در این پژوهش ۳۰۰ نفر برآورد شد. با توجه به جدول کرجسی-مورگان (۱۹۷۰) حجم نمونه برابر شد با ۱۶۹ نفر که ۱۰۰ نفر آن خانم و ۶۹ نفر آن آقا می‌باشد.

جدول۱. فراوانی نمونه بر اساس جنسیت

	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
زن	۱۰۰	۵۹/۱۷	۵۹/۱۷
مرد	۶۹	۴۰/۸۳	۱۰۰
جمع کل	۱۶۹	۱۰۰	

در این پژوهش، به دلیل استفاده از تنها یک شاخص مشاهده‌پذیر (نمره کل پرسش‌نامه) برای هر متغیر مکنون، بار عاملی بین متغیر مکنون و شاخص آن برابر با ۱ است. این بدان معناست که شاخص مشاهده‌پذیر به طور کامل و بدون هیچ گونه انحراف، متغیر مکنون را نمایندگی می‌کند. به عبارت دیگر، نمره کل پرسش‌نامه به‌عنوان شاخصی کاملاً دقیق و نماینده‌ی متغیر مکنون در نظر گرفته می‌شود. وقتی بار عاملی برابر با ۱ است، این فرض وجود دارد که خطای اندازه‌گیری در مدل وجود ندارد. به این معنی که نمره کل پرسش‌نامه به طور دقیق و بدون خطا، سازه مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند. و نیاز به محاسبه یا تخمین خطای اندازه‌گیری برای شاخص‌ها از بین می‌رود. در این پژوهش، با توجه به استفاده از نمره کل پرسش‌نامه به‌عنوان تنها شاخص، این فرضیه پذیرفته شده است.

جدول ۲. ضرایب پایایی مرکب و متوسط واریانس استخراج شده

	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	AVE شاخص
سازگاری زناشویی	۰/۸۳۵	۰/۸۱	۰/۶۹۹
عزت نفس	۰/۸	۰/۷۶	۰/۶۴۱
هوش معنوی	۰/۸۲۷	۰/۷۲	۰/۶۶۱

با توجه به خروجی جدول ۲، آلفای کرونباخ برای متغییرهای سازگاری زناشویی، عزت نفس و هوش معنوی به ترتیب برابر با ۰/۸۳۵ ، ۰/۸۰۰ و ۰/۸۲۷ به دست آمده است. مقادیر آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ نشان‌دهنده انسجام داخلی بالا و پایایی قابل‌قبول ابزار است. مقادیر پایایی مرکب (CR) نیز بالاتر ۰/۷ است که نشان‌دهنده سازگاری مطلوب آیتم‌های این متغیر است. مقادیر میانگین واریانس (AVE) استخراج شده مقداری بالاتر از ۰/۵ را نشان می دهد. که بیانگر آن است که ابزار توانسته واریانس قابل توجهی از را تبیین کند.

هر سه پرسش‌نامه پژوهش، با توجه به مقادیر آلفای کرونباخ، پایایی مرکب، و شاخص AVE، از پایایی و اعتبار هم‌گرای قابل‌قبولی برخوردار هستند. به‌طورکلی، این ابزارها برای استفاده در پژوهش مناسب و قابل اعتماد هستند.

باوجود تأیید پایایی و روایی هم‌گرای سازه‌ها بر اساس شاخص‌های گزارش‌شده، شواهد عددی مربوط به روایی واگرای سازه‌ها ارائه نشده است. ازاین‌رو، در این بخش نمی‌توان درباره تأیید یا رد روایی واگرای سازه‌ها قضاوت عددی ارائه کرد و لازم است شاخصی مانند HTMT یا یکی از معیارهای متداول روایی واگرا از خروجی نرم‌افزار استخراج و گزارش شود.

جدول۳. بررسی فرضیه اصلی پژوهش

	نمونه اصلی	میانگین نمونه	انحراف استاندارد	آماره آزمون	P values
هوش معنوی←عزت نفس ←سازگاری زناشویی	۰/۳۲۱	۰/۳۴	۰/۴۲۱	۶/۷۴۱	۰/۰۰۰

فرضیه اصلی این پژوهش بیان می‌کند که عزت نفس به‌عنوان یک متغیر میانجی، در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی نقش ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، هوش معنوی از طریق افزایش عزت نفس، تأثیر مثبت و معناداری بر سازگاری زناشویی دارد. برای آزمون این فرضیه، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS ۴ و الگوریتم بوت استرپ استفاده شده است. این نتایج شامل مقادیر نمونه اصلی، میانگین نمونه، انحراف استاندارد، آماره آزمون و P-Value است. نمونه اصلی (۰/۳۲۱): این عدد نشان می‌دهد که تأثیر غیرمستقیم هوش معنوی بر سازگاری زناشویی از طریق عزت نفس، برابر با ۰/۳۲۱ است. این مقدار مثبت و نسبتاً قوی نشان‌دهنده این است که افزایش هوش معنوی از طریق تقویت عزت نفس، به بهبود سازگاری زناشویی منجر می‌شود. میانگین نمونه (۰/۳۴): این مقدار نشان‌دهنده میانگین ضریب مسیر میانجی است. نزدیکی این مقدار به نمونه اصلی (۰/۳۲۱) نشان‌دهنده ثبات و پایایی نتایج است. انحراف استاندارد (۰/۴۲۱): این شاخص نشان‌دهنده میزان پراکندگی ضرایب مسیر است. انحراف استاندارد پایین‌تر نشان‌دهنده

دقت بیشتر در برآورد ضریب مسیر است. آماره آزمون (۶/۷۴۱): این آماره نشان‌دهنده میزان تفاوت بین ضریب مسیر مشاهده‌شده و مقدار مورد انتظار تحت فرضیه صفر (عدم وجود رابطه) است. مقدار بالای این آماره (۶/۷۴۱) نشان می‌دهد که رابطه میانجی مشاهده شده به‌طور تصادفی نبوده و از نظر آماری معنادار است.

P-Value برابر صفر، این مقدار نشان‌دهنده سطح معناداری آماری رابطه میانجی است. مقدار P-Value کمتر از ۰/۰۵نشان می‌دهد که رابطه میانجی بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی از طریق عزت نفس، از نظر آماری بسیار معنادار است. به عبارت دیگر، احتمال اینکه این رابطه به‌طور تصادفی به دست آمده باشد، بسیار کم است (کمتر از ۰/۱ درصد) .

نتایج به دست آمده از این تحلیل نشان می‌دهد که هوش معنوی به طور غیرمستقیم و از طریق افزایش عزت نفس، تأثیر مثبت و معناداری بر سازگاری زناشویی دارد. این یافته‌ها با ادبیات پژوهشی موجود همسو است که نشان می‌دهد هوش معنوی به‌عنوان یک توانایی روان‌شناختی، می‌تواند به افراد کمک کند تا با استفاده از تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالت هوشیاری، به درک بهتری از خود و جهان اطراف دست یابند. این توانایی‌ها به نوبه خود، به افزایش عزت نفس افراد منجر می‌شوند.

هوش معنوی و عزت نفس توانسته است بخش قابل توجهی از تغییرات سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند، اما همچنان عوامل دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند بر سازگاری زناشویی تأثیر بگذارند.

مدل ساختاری

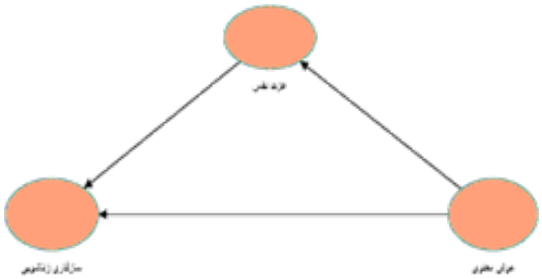

شکل ۱. مدل معادلات ساختاری

مدل مفهومی ارائه‌شده نشان می‌دهد که عزت نفس به‌عنوان یک متغیر میانجی در رابطه میان دو متغیر دیگر، یعنی هوش معنوی و سازگاری زناشویی، عمل می‌کند. در این مدل: هوش معنوی به طور مستقیم بر عزت نفس تأثیر می‌گذارد، که نشان‌دهنده این است که سطوح بالاتر هوش معنوی می‌تواند به افزایش عزت نفس منجر شود. عزت نفس نیز به نوبه خود بر سازگاری زناشویی تأثیر می‌گذارد، که بیانگر نقش عزت نفس به‌عنوان عاملی کلیدی در ارتقای روابط زناشویی است. علاوه بر مسیرهای غیرمستقیم از طریق عزت نفس، یک رابطه مستقیم نیز بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی وجود دارد، که نشان‌دهنده اثر مستقل هوش معنوی بر کیفیت روابط زناشویی است. این مدل به‌طورکلی بر نقش عزت نفس به‌عنوان واسطه‌ای کلیدی در تبیین تأثیر هوش معنوی بر سازگاری زناشویی تأکید می‌کند و می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا درک بهتری از سازوکارهای روان‌شناختی مؤثر در روابط زناشویی به دست آورند.

جدول۴. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

	هوش معنوی	عزت نفس	سازگاری زناشویی
هوش معنوی	۱		
عزت نفس	۰/۴۸	۱	
سازگاری زناشویی	۰/۵۲	۰/۵۶	۱

همبستگی هوش معنوی و سازگاری زناشویی ۰/۵۲ است . معمولاً در تحقیقات، همبستگی متوسط رو به بالا دیده شده است؛ افراد با هوش معنوی بالاتر، معمولاً سازگاری زناشویی بهتری دارند. همبستگی هوش معنوی و عزت نفس ۰/۴۸ می‌باشد. رابطه مثبت متوسط که در اکثر تحقیقات مشاهده شده است که نان می‌دهد، افراد با هوش معنوی بالاتر، معمولاً از عزت نفس بالاتری برخوردارند. و همبستگی عزت نفس و سازگاری زناشویی ۰/۵۶ بوده است؛ قوی‌ترین همبستگی در مدل؛ تحقیقات نشان داده‌اند که عزت نفس نقش مهمی در سازگاری زناشویی دارد. این ضرایب همبستگی همگی مثبت و معنادار هستند؛ که نشان می‌دهد متغیرها به طور معناداری با هم مرتبط هستند و روابط در جهت مثبت است (با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد). شدت روابط در حد متوسط تا قوی است که برای نقش میانجی‌گری مناسب است.

با توجه به مقطعی و همبستگی بودن طرح پژوهش، روابط مشاهده‌شده در مدل حاضر باید به‌عنوان روابط آماری و الگوی پیش‌بینی تفسیر شوند و نمی‌توان بر اساس نتایج این پژوهش رابطه علی قطعی میان متغیرها را استنباط کرد. بنابراین، نقش میانجی عزت نفس در این پژوهش به معنای مشاهده یک الگوی آماری میانجی‌گرانه است و برای تأیید سازوکار علّی آن، انجام پژوهش‌های طولی یا آزمایشی ضروری است.

جدول ۵. ضرایب مسیر و معنی‌داری آنها

مسیر	ضریب مسیر	آماره t	P-value
هوش معنوی ← عزت نفس	۰/۴۸	۱۲/۴۵۷	۰/۰۰۰
عزت نفس ← سازگاری زناشویی	۰/۵۲	۱۸/۲۴۱	۰/۰۰۰
هوش معنوی ← سازگاری زناشویی	۰/۵۲	۱۵/۶۸	۰/۰۰۰
هوش معنوی ← عزت نفس ← سازگاری زناشویی	۰/۳۲	۶/۷۴۱	۰/۰۰۰

در مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)، ضرایب مسیر نشان‌دهنده قدرت و جهت رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته هستند. این ضرایب به محقق کمک می‌کنند تا درک بهتری از روابط علّی بین متغیرها به دست آورند و تأثیر هر متغیر بر دیگری را به‌صورت کمّی ارزیابی کنند. ضرایب مسیر و معناداری آنها برای متغیرهای پژوهش، شامل هوش معنوی، عزت نفس و سازگاری زناشویی، ارائه شده است. در ادامه، این روابط تفسیر می‌شوند.

ضریب مسیر میانجی هوش معنوی ← عزت نفس ← سازگاری زناشویی (۰/۳۲) است، این ضریب نشان‌دهنده تأثیر غیرمستقیم هوش معنوی بر سازگاری زناشویی از طریق عزت نفس است. به عبارت دیگر، هوش معنوی با افزایش عزت نفس، به بهبود سازگاری زناشویی کمک می‌کند. این یافته نشان می‌دهد که عزت نفس به‌عنوان یک متغیر میانجی، نقش مهمی در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی ایفا می‌کند. آماره t (۶/۷۴۱)، این آماره نشان‌دهنده میزان تفاوت بین ضریب مسیر مشاهده شده و مقدار مورد انتظار تحت فرضیه صفر (عدم وجود رابطه) است. مقدار بالای این آماره (۶/۷۴۱) نشان می‌دهد که رابطه میانجی مشاهده شده به‌طور تصادفی نبوده و از نظر آماری معنادار است. P-Value

(۰/۰۰۰)، مقدار P-Value کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. که نشان می‌دهد رابطه میانجی بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی از طریق عزت نفس، از نظر آماری بسیار معنادار است. به عبارت دیگر، احتمال اینکه این رابطه به‌طور تصادفی به دست آمده باشد، بسیار کم است (کمتر از ۰/۱ درصد). نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که تمامی ضرایب مسیر در مدل معادلات ساختاری از نظر آماری معنادار هستند. هوش معنوی تأثیر مثبت و معناداری بر عزت نفس دارد (ضریب مسیر ۰/۴۸). این یافته نشان می‌دهد که افزایش هوش معنوی به تقویت عزت نفس افراد منجر می‌شود. عزت نفس تأثیر مثبت و معناداری بر سازگاری زناشویی دارد (ضریب مسیر ۰/۵۲). این یافته نشان می‌دهد که افرادی که از عزت نفس بالاتری برخوردار هستند، تمایل بیشتری به برقراری روابط زناشویی سازگارانه و رضایت‌بخش دارند. هوش معنوی تأثیر مثبت و معناداری بر سازگاری زناشویی دارد (ضریب مسیر ۰/۵۲). این یافته نشان می‌دهد که هوش معنوی به طور مستقیم نیز می‌تواند به بهبود کیفیت روابط زناشویی کمک کند. و در نهایت عزت نفس به‌عنوان یک متغیر میانجی، نقش مهمی در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی ایفا می‌کند (ضریب مسیر ۰/۳۲). این یافته نشان می‌دهد که هوش معنوی از طریق افزایش عزت نفس، به بهبود سازگاری زناشویی کمک می‌کند. این نتایج به‌طورکلی نشان می‌دهند که هوش معنوی و عزت نفس به‌عنوان عوامل روان‌شناختی، نقش مهمی در بهبود کیفیت روابط زناشویی ایفا می‌کنند. این یافته‌ها می‌توانند به‌عنوان پایه‌ای برای طراحی مداخلات روان‌شناختی مؤثر در حوزه زوج و خانواده مورد استفاده قرار گیرند.

جدول۶. ضرایب تعیین متغیرهای پژوهش

متغیر	R^2	تفسیر
عزت نفس	۰/۳۸۹	متوسط
سازگاری زناشویی	۰/۴۲۱	متوسط

ضرایب تعیین (R^2) متغیرهای پژوهش، ضریب تعیین برای متغیر عزت نفس (R^2=۰/۳۸۹) است. مقدار R^2 (۰/۳۸۹) نشان می‌دهد که حدود ۹/۳۸ درصد از واریانس متغیر عزت نفس توسط متغیر مستقل هوش معنوی توضیح داده می‌شود. به عبارت دیگر، هوش معنوی توانسته است بخش قابل توجهی از تغییرات عزت نفس را پیش‌بینی کند. مقدار R^2 برابر با ۰/۳۸۹ در محدوده متوسط قرار دارد. این بدان معناست که اگرچه هوش معنوی تأثیر معناداری بر عزت نفس دارد، اما عوامل دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند بر عزت نفس تأثیر بگذارند و در این مدل لحاظ نشده‌اند. به‌طورکلی، مقادیر R^2 بین ۰/۱۹ تا ۰/۳۳ به‌عنوان اثرات کوچک، بین ۰/۳۳ تا ۰/۶۷ به‌عنوان اثرات متوسط و بالاتر از ۰/۶۷ به‌عنوان اثرات بزرگ در نظر گرفته می‌شوند. ضریب تعیین برای متغیر سازگاری زناشویی (R^2=۰/۴۲۱) است. مقدار R^2 (۰/۴۲۱) می‌دهد که حدود ۴۲/۱ درصد از واریانس متغیر سازگاری زناشویی توسط متغیرهای مستقل هوش معنوی و عزت نفس توضیح داده می‌شود. به عبارت دیگر، هوش معنوی و عزت نفس توانسته‌اند بخش قابل توجهی از تغییرات سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند. مقدار R^2 برابر با ۰/۴۲۱ نیز در محدوده متوسط قرار دارد. این بدان معناست که اگرچه هوش معنوی و عزت نفس تأثیر معناداری بر سازگاری زناشویی دارند، اما عوامل دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند بر سازگاری زناشویی تأثیر بگذارند و در این مدل لحاظ نشده‌اند. این عوامل ممکن است شامل متغیرهای فردی (مانند شخصیت، تجربیات گذشته) یا محیطی (مانند حمایت اجتماعی، شرایط اقتصادی) باشند.

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل موجود در مدل (هوش معنوی و عزت نفس) توانسته‌اند بخش قابل توجهی از واریانس متغیرهای وابسته (عزت نفس و سازگاری زناشویی) را توضیح دهند. به طور خاص عزت نفس، حدود ۳۸/۹ درصد از واریانس عزت نفس توسط هوش معنوی توضیح داده می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که هوش معنوی به‌عنوان یک متغیر مستقل، نقش مهمی در پیش‌بینی عزت نفس دارد، اما عوامل دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند بر عزت نفس تأثیر بگذارند. و سازگاری زناشویی؛ حدود ۴۲/۱ درصد از واریانس سازگاری زناشویی توسط هوش معنوی و عزت نفس توضیح داده می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که ترکیب هوش معنوی و عزت نفس توانسته است بخش قابل توجهی از تغییرات سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند، اما همچنان عوامل دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند بر سازگاری زناشویی تأثیر بگذارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج فرضیه اصلی پژوهش نشان داد که عزت نفس به‌عنوان یک متغیر میانجی، در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی نقش ایفا می‌کند. در ادامه، این یافته‌ها در چهارچوب نظریه‌های مرتبط بررسی می‌شوند.

یافته‌های این پژوهش با نظریه‌های مرتبط با هوش معنوی، عزت نفس و سازگاری زناشویی همسو است. بر اساس نظریه هوش معنوی کینگ (کینگ، ۲۰۰۸)، هوش معنوی به‌عنوان یک توانایی روان‌شناختی، به افراد کمک می‌کند تا با استفاده از تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی و آگاهی متعالی، به درک بهتری از خود و جهان اطراف دست یابند. این توانایی‌ها می‌توانند به افزایش عزت نفس افراد منجر شوند، زیرا به آن‌ها کمک می‌کنند تا احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر، نظریه عزت نفس روزنبرگ (روزنبرگ، ۱۹۶۵) تأکید می‌کند که عزت نفس به‌عنوان یک عامل کلیدی، نقش مهمی در بهبود کیفیت روابط بین‌فردی، از جمله روابط زناشویی، ایفا می‌کند. افرادی که از عزت نفس بالاتری برخوردار هستند، معمولاً در مواجهه با چالش‌ها و تعارضات زناشویی، رفتارهای سازنده‌تری از خود نشان می‌دهند و ارتباطات بهتری با همسر خود برقرار می‌کنند.

از نظر سازوکار روان‌شناختی، می‌توان این الگو را چنین تبیین کرد که برخورداری از ظرفیت‌های مرتبط با معنا، تفکر وجودی و آگاهی متعالی ممکن است به فرد کمک کند رویدادها و دشواری‌های زندگی را در چارچوبی منسجم‌تر تفسیر کند. چنین فرایندی می‌تواند با احساس کفایت، ارزشمندی و انسجام روان‌شناختی بیشتر همراه شود و در نتیجه با عزت نفس بالاتر ارتباط داشته باشد. عزت نفس بالاتر نیز ممکن است در تعاملات زوجی با احساس امنیت روان‌شناختی بیشتر، ارتباط سازنده‌تر و مواجهه مناسب‌تر با تعارض‌ها همراه باشد. از این منظر، نقش میانجی مشاهده‌شده برای عزت نفس می‌تواند با این مسیر روان‌شناختی تبیین شود؛ هرچند ماهیت مقطعی پژوهش اجازه استنباط رابطه علی قطعی را نمی‌دهد.

با توجه به نتایج کسب شده از این پژوهش و مطالعات عنوان شده می توان چنین نتیجه گرفت که بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که این رابطه مثبت و معنادار است. این یافته‌ها در چارچوب نظریه‌های مرتبط بررسی قرار می‌گیرند و تبیین می‌شود.

یافته‌های این پژوهش با نظریه‌های مرتبط با هوش معنوی و

سازگاری زناشویی همسو است. بر اساس نظریه هوش معنوی کینگ (کینگ، ۲۰۰۸)، هوش معنوی به‌عنوان یک توانایی روان‌شناختی، به افراد کمک می‌کند تا با استفاده از تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی و آگاهی متعالی، به درک بهتری از خود و جهان اطراف دست یابند. این توانایی‌ها می‌توانند به افراد کمک کنند تا در مواجهه با چالش‌های زندگی زناشویی، رفتارهای سازنده‌تری از خود نشان دهند و ارتباطات بهتری با همسر خود برقرار کنند. از سوی دیگر، نظریه‌های مرتبط با سازگاری زناشویی، مانند نظریه سیستم‌های خانوادگی بوئن (بوئن[1]، ۱۹۷۸)، تأکید می‌کنند که توانایی‌های روان‌شناختی مانند هوش معنوی می‌توانند به بهبود کیفیت روابط زناشویی و افزایش سازگاری بین زوجین کمک کنند.

یکی از سازوکارهای روان‌شناختی احتمالی برای تبیین این رابطه، توانایی معنا دادن به تجربه‌های دشوار و ارزیابی موقعیت‌های زناشویی از چشم‌اندازی گسترده‌تر است. چنین ظرفیتی ممکن است به فرد کمک کند در مواجهه با تعارض‌های زوجی، واکنش‌های هیجانی خود را بهتر مدیریت کرده و از راهبردهای سازنده‌تری برای ارتباط و حل مسئله استفاده کند. در نتیجه، هوش معنوی می‌تواند با کیفیت تعاملات زوجی و سازگاری زناشویی ارتباط داشته باشد؛ بااین‌حال، این سازوکار به‌عنوان یک تبیین احتمالی مطرح است و در پژوهش حاضر به‌صورت علی آزمون نشده است.

فرضیه فرعی دوم این پژوهش بیان می‌کند که بین هوش معنوی و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که این رابطه مثبت و معنادار است. این یافته‌ها در چارچوب نظریه‌های مرتبط مورد بررسی قرار گرفته و تبیین می‌شود.

یافته‌های این پژوهش با نظریه‌های مرتبط با هوش معنوی و عزت نفس همسو است. بر اساس نظریه هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸)، هوش معنوی به‌عنوان یک توانایی روان‌شناختی، به افراد کمک می‌کند تا با استفاده از تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی و آگاهی متعالی، به درک بهتری از خود و جهان اطراف دست یابند. این توانایی‌ها می‌توانند به افراد کمک کنند تا احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر، نظریه عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵) تأکید می‌کند که عزت نفس به‌عنوان یک عامل کلیدی، نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی افراد ایفا می‌کند. افرادی که از عزت نفس بالاتری برخوردار هستند، معمولاً در مواجهه با چالش‌های زندگی، رفتارهای سازنده‌تری از خود نشان می‌دهند و ارتباطات بهتری با دیگران برقرار می‌کنند.

این یافته را می‌توان با نقش منابع معنایی و شناختی در شکل‌گیری ارزیابی فرد از خویشتن تبیین کرد. هنگامی که فرد می‌تواند تجربه‌های زندگی و مسائل دشوار را در چارچوبی معنادار و منسجم تفسیر کند، ممکن است احساس کفایت و ارزشمندی بیشتری داشته باشد. از این منظر، رابطه مثبت مشاهده‌شده میان هوش معنوی و عزت نفس می‌تواند با نقش ظرفیت‌های معناپردازی، تفکر وجودی و آگاهی در ارزیابی فرد از خود توضیح داده شود.

فرضیه فرعی سوم این پژوهش بیان می‌کند که بین عزت نفس و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که این رابطه مثبت و معنادار است. این یافته‌ها در چارچوب نظریه‌های مرتبط مورد بررسی قرار می‌گیرند و تبیین می‌شود.

یافته‌های این پژوهش با نظریه‌های مرتبط با عزت نفس و سازگاری زناشویی همسو است. بر اساس نظریه عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵)، عزت نفس به‌عنوان یک عامل کلیدی، نقش مهمی در بهبود کیفیت روابط بین‌فردی، از جمله روابط زناشویی، ایفا می‌کند. افرادی که از عزت نفس بالاتری برخوردار هستند، معمولاً در مواجهه با چالش‌ها و تعارضات زناشویی، رفتارهای سازنده‌تری از خود نشان می‌دهند و ارتباطات بهتری با همسر خود برقرار می‌کنند.همچنین، پژوهش‌های دیگری مانند مطالعه مارشال و زوهار (۲۰۰۴) تأکید کرده‌اند که هوش معنوی می‌تواند به افراد کمک کند تا با چالش‌های زندگی به شیوه‌ای سازنده برخورد کنند و روابط خود را بهبود بخشند. از سوی دیگر، مطالعه ارث و روبین[2] (۲۰۱۴) نشان داد که عزت نفس به‌عنوان یک عامل میانجی، نقش مهمی در بهبود کیفیت روابط زناشویی ایفا می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که هوش معنوی از طریق افزایش عزت نفس، تأثیر مثبت و معناداری بر سازگاری زناشویی دارد.

از نظر روان‌شناختی، عزت نفس بالاتر ممکن است با احساس امنیت و کفایت شخصی بیشتر همراه باشد و این وضعیت می‌تواند نحوه مواجهه فرد با اختلاف‌ها و تعارض‌های زوجی را تحت تأثیر قرار دهد. فردی که ارزیابی مثبت‌تری از خود دارد، ممکن است در تعامل با همسر کمتر احساس تهدید کرده و آمادگی بیشتری برای برقراری ارتباط سازنده، بیان نیازها و حل مسئله داشته باشد. از این رو، رابطه مثبت میان عزت نفس و سازگاری زناشویی می‌تواند از طریق نقش عزت نفس در کیفیت تعاملات و مدیریت تعارض‌های زوجی تبیین شود.

این مطالعات نشان داد که هوش معنوی از طریق افزایش عزت نفس، تأثیر مثبت و معناداری بر سازگاری زناشویی دارد.

نتایج ضریب تعیین نیز با این الگو همخوانی دارد. مقدار R^2 برابر با ۰/۳۸۹ برای عزت نفس نشان می‌دهد که ۳۸/۹ درصد از واریانس این متغیر توسط هوش معنوی تبیین می‌شود. همچنین مقدار R^2 برابر با ۰/۴۲۱ برای سازگاری زناشویی نشان می‌دهد که هوش معنوی و عزت نفس در مجموع ۴۲/۱ درصد از واریانس سازگاری زناشویی را تبیین می‌کنند. این مقادیر در محدوده متوسط قرار دارند؛ بنابراین، مدل پژوهش توانسته است بخش قابل توجهی از تغییرات متغیرهای درون‌زا را تبیین کند، اما بخشی از این تغییرات همچنان به متغیرهای دیگری مربوط است که در مدل حاضر بررسی نشده‌اند.

باوجود این، برای تکمیل گزارش مدل ساختاری، اندازه اثر f^2 نیز باید گزارش شود. مقدار f^2 مسیرهای مدل در این پژوهش در نظر گرفته نشده ؛ بنابراین، درباره اندازه اثر مسیرهای مدل در این مقاله عددی گزارش نمی‌شود.

همچنین، اثر غیرمستقیم هوش معنوی بر سازگاری زناشویی از طریق عزت نفس برابر با ۰/۳۲۱ و معنادار گزارش شده است.

از نظر روش‌شناختی نیز باید توجه داشت که روابط گزارش‌شده در این پژوهش بر اساس داده‌های مقطعی و همبستگی به دست آمده‌اند. بنابراین، یافته‌ها نشان‌دهنده ارتباط و الگوی آماری میان متغیرها هستند و نباید به‌عنوان اثبات رابطه علی قطعی تفسیر شوند.

این پژوهش نیز مانند دیگر مطالعات دارای محدودیت‌هایی می‌باشد، که شامل موارد زیر بود. طراحی پژوهش به‌صورت مقطعی بود و در نتیجه امکان بررسی تغییرات طولی و استنباط رابطه‌ی علی را فراهم نمی‌کرد. همچنین نمونه‌گیری به روش در دسترس از زوجین مراجعه‌کننده به کلینیک‌های شهر مشهد انجام شد که

1 Bowen

2 Aras & Rubin

این موضوع تعمیم‌پذیری نتایج به سایر جوامع و فرهنگ‌ها را با محدودیت مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، استفاده از پرسش‌نامه‌های خودگزارشی به‌عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها، امکان بروز خطاهایی مانند تمایل به ارائه تصویر مطلوب اجتماعی را افزایش می‌داد. علاوه‌براین، پژوهش حاضر بر سه متغیر اصلی متمرکز بود و بسیاری از متغیرهای تأثیرگذار دیگر بر سازگاری زناشویی مانند عوامل شخصیتی، اقتصادی و حمایت اجتماعی در آن کنترل نشده بود. در نهایت، انجام پژوهش در بافت فرهنگی خاص شهر مشهد نیز به‌عنوان یک محدودیت دیگر در نظر گرفته می‌شود.

همچنین، استفاده از نمره کل هر پرسش‌نامه به‌عنوان تنها شاخص مشاهده‌پذیر سازه‌ها، امکان بررسی تفصیلی ویژگی‌های اندازه‌گیری در سطح گویه‌ها را محدود کرده است. به همین دلیل، ویژگی‌های مربوط به روابط بین گویه‌ها و ابعاد احتمالی هر سازه در مدل حاضر بررسی نشده‌اند.

با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های پژوهش حاضر، پیشنهادات زیر می‌توانند به‌عنوان راهنمایی برای تحقیقات آینده در این حوزه مورد استفاده قرار گیرند: انجام پژوهش‌های طولی، در تحقیقات آینده، نقش متغیرهای تعدیل‌کننده و میانجی دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، از روش‌های چندگانه اندازه‌گیری (مانند مصاحبه، مشاهده، گزارش همسر) استفاده شود تا داده‌های دقیق‌تر و معتبرتری جمع‌آوری شوند. با توجه به یافته‌های این پژوهش که نشان می‌دهند هوش معنوی و عزت نفس تأثیر مثبتی بر سازگاری زناشویی دارند، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، تأثیر مداخلات روان‌شناختی بر افزایش هوش معنوی و عزت نفس زوجین مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، نمونه‌هایی از مناطق مختلف جغرافیایی و فرهنگی مورد بررسی قرار گیرند تا تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی در رابطه بین هوش معنوی، عزت نفس و سازگاری زناشویی بررسی شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، برای ارزیابی کامل‌تر مدل اندازه‌گیری، روایی واگرای سازه‌ها با استفاده از شاخص‌های مناسب مانند HTMT بررسی و گزارش شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، اثر مستقیم، اثر غیرمستقیم و اثر کل در تحلیل میانجی‌گری به‌صورت همزمان گزارش شوند تا الگوی روابط میان هوش معنوی، عزت نفس و سازگاری زناشویی با دقت بیشتری قابل ارزیابی باشد.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با طراحی طولی یا آزمایشی انجام شوند تا امکان بررسی جهت روابط و آزمون دقیق‌تر سازوکارهای روان‌شناختی مطرح‌شده فراهم شود.

منابع

اله بخشی، بیتا ؛ قمری،محمد. (۱۳۹۶). رابطه هوش معنوی، امید به زندگی با میزان سازگاری زناشویی دانشجویان متاهل، اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، آسیب‌شناسی روانی و تربیت،تهران.

ابوالحسنی، سیده سارا؛ ستارزاده، داوود؛ بندری، محمدرضا.(۱۳۹۶). بررسی رابطه عزت نفس و استرس شغلی با سازگاری زناشویی زنان کارمند شهر بابل در سال ۱۳۹۵. ۶ (۱) : ۱۳۷–۱۵۸.

بهرامی، هادی؛ پیروی، مریم (۱۳۹۶). بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه زوجین و سازگاری زناشویی در دانشجویان متاهل. واحد علوم تحقیقات تهران رویش روان‌شناسی ۶ (۱) :۱۳۱–۱۵۸.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۹۰). روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان

بین، ریتولد ؛ کلارک ، امینه؛ کلمز . (۲۰۰۱). روش‌های تقویت عزت‌نفس در نوجوانان. ترجمه: پروین علی پور (۱۳۸۸). تهران: به نشر .

گلدنبرگ، ا؛ گلدنبرگ، ه.(۱۳۸۲). خانواده درمانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی براوتی تهران : انتشارات نشر روان.

ذاکری، فاطمه ؛ صفاریان طوسی، محمدرضا ؛ نجات، حمید. (۱۳۹۸). نقش تعدیل کننده خودشفقتی در تاثیر ناگویی هیجانی و مشکلات بین فردی بر دل‌زدگی زناشویی در زنان ناسازگار. پژوهش نامه روان‌شناسی مثبت، ۵(۴)، ۳۵– ۵۰.

سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۸). هوش معنوی، هوش انسانی. روان‌شناسی نظامی، ۴(۱) ، ۶۶-۶۳.

عبداله زاده، حسن؛ باقرپور، معصومه. (۱۳۹۱). رابطه بین هوش معنوی و سبک رهبری مدیران مدارس متوسطه شهرستان گرگان. فصلنامه علمی، پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت ، ۳(۲)، ۸۷–۹۸.

عظیمی، ر. (۱۳۸۰). بررسی رابطه عزت نفس و استرس در میان معلمان کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی. دانشگاه تربیت مدرس.

غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیانی، لیلا؛ نوری مقدم، ثنا. (۱۳۸۶)، هوش معنوی. فصلنامه علمی–پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۳(۱۰)، ۱۲۵–۱۴۷.

فتوحی، سکینه؛ مکائیلی، نیلوفر؛ عطادخت، اکبر؛ حاجلو، نادر. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر فرا هیجان با زوج درمانی روایتی بر سازگاری و دلزدگی زناشویی زوجین متعارض، ۹(۳۴)، ۱۰۱–۷۷.

قاسم‌زاده، لیلی؛ شهرآرای، مهرناز؛ مرادی، علیرضا. (۱۳۸۷). بررسی نرخ شیوع اعتیاد به اینترنت در دختران دبیرستانی شهر تهران و مقایسه دختران معتاد به اینترنت در متغیرهای تنهایی، عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی. فصلنامه فرهنگی–تربیتی زنان وخانواده، ۴(۱۱).

گنجی، حمزه. (۱۳۸۱). روان‌شناسی عمومی. تهران، نشریه دانشگاه پیام نور.

معین، لادن؛ غیاثی، پروین ؛ مسموعی، راضیه. (۱۳۹۰). رابطه سخت رویی روانشناختی با سازگاری زناشویی. فصلنامه علمی و پژوهشی جامعه شناسی زنان، ۲(۴)، ۱۶۳–۱۷۵.

مقنی‌زاده طوس، نرگس؛ رضایی، ملیحه؛ ذاکری، فاطمه. (۱۴۰۳). رابطه مهارت‌های ارتباطی و هوش معنوی با سازگاری زناشویی، چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.

میرتاج الدینی، فاطمه سادات؛ تجربه کار، مهشید. (۱۴۰۰). پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس هوش معنوی و حرمت خود زوجین. سومین کنگره ملی انجمن علمی روان‌شناسی خانواده ایران، با تاکید بر فضائل اخلاقی در خانواده و ازدواج و چالش‌های آن.

میرگل احمد، عسکری فرشته، محسنی سحر. (۱۳۹۸). نقش هوش معنوی و عزت نفس در پیش بینی خودکارآمدی دانش آموزان دختر و پسر متوسطه. دوم رویش روان‌شناسی، ۸ (۱۱) ، ۱۲۷–۱۳۲.

Ahmadi, S., Morley, R. H., Ghalebi, F., Ilanloo, H., & Nguyen, C. D. (2022). The role of spiritual intelligence and differentiation in predicting marital adjustment of married Iranian students. International Journal of Transpersonal Studies, 41(2).

Amram, J. Y., & Dryer, C. (2008). The development and preliminary validation of the integrated spiritual intelligence scale (ISIS). Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology. Available at http://www.geocities.com/isisfindings

Arndt, J., & Greenberg, J. (1999). The effects of a self-esteem boost and mortality salience on responses to boost relevant and irrelevant worldview threats. Personality and Social Psychology Bulletin, 25(11), 1331–1341.

Bali, A., Dhingra, R., & Bura, A. (2010). Marital adjustment of childless couples. Journal of Social Science, 24(1), 73–76.

Boudlaie, H., Boghosian, A., Ahmad, I., Wafqan, H. M., Wekke, I. S., & Makhmudova, A. (2022). Investigating the mediating role of moral identity on the relationship between spiritual intelligence and Muslims' self-esteem. HTS Teologiese Studies / Theological Studies, 78(4).

Boudlaie , H., Boghosian, A., Ahmad, I., Wafqan, H. M., Wekke, I. S., & Makhmudova, A. (2022). Investigating the mediating role of moral identity on the relationship between spiritual intelligence and Muslims' self-esteem. HTS Teolo-

giese Studies/Theological Studies, 78(4).

Elkins, M., & Cavendish, R. (2004). Developing a plan for pediatric spiritual care. Holistic Nursing Practice, 18(4), 179–184.

Ghasempour, S., Sharif-Nia, H., Nouri, S., Mirhosseini, S., & Abbasi, A. (2025). Validation of the Rosenberg Self-Esteem Scale among the Iranian adult population: A cross-sectional study. PLOS ONE, 20(12), e0336969.

Goyal, H., & Nakra, M. T. (2023). Self-Esteem and Marital Adjustment—A Correlational Study. The International Journal of Indian Psychology.

Hair, J., Tatham, R., & Black, W. (2006). Multivariate data analysis (5th ed.). New Jersey: Prentice Hall.

King, D. B. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence. Trent University.

King, D. B., & DeCicco, T. L. (2009). A viable model and self-report measure of spiritual intelligence. International Journal of Transpersonal Studies, 28(1), 68–85.

Maslow, A. H. (1987). Motivation and personality (3rd ed.). New York: Harper & Row.

Orth, U., & Robins, R. W. (2014). The development of self-esteem. Current Directions in Psychological Science, 23(5), 381–387.

Rosenberg, M. (1965). Society and the adolescent self-image. Princeton University Press.

Sharma, P., et al. (2015). Spiritual intelligence and marital adjustment. Journal of Human Psychology, 12(3), 45-67.

Snani, H., Tannoubi, A., Chortane, O. G., & Azaiez, F. (2024). Balance and deep connections: The impact of physical activity on body and sexual self-esteem, psychological Frontiers in Sports and Active Living, 6.

Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment. Journal of Marriage and Family, 38(1), 15-28.

Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. Journal of Marriage and the Family, 38(1), 15–28.

Zohar, D., & Marshall, I. (2004). Spiritual capital: Wealth we can live by. Berrett-Koehler Publishers.